

زیردریایی های آلمانی در اقیانوس اطلس شدند. ۱۱۳ هزار کشته و صدها هزار خانواده داغدار نتیجه جنگ است ولی کانادایی ها سرافرازانه جنگ علیه نازیسم و فاشیسم را به پایان نبردند بدون بهر وری از نتایج آن ، چراکه امور خارجه کانادا هنوز تابعی از ارباب است! رجوع کنید بر کتاب Warlords از Tim Cook.

کانادا جدا در طول هردو جنگ جهانی جراحی برداشت که هنوز ترمیم نشده. بویژه اینکه هردو جنگ ضعف های دیپلماسی نداشته کشور را هویدا کرد تا زمان پیرتودوی لیبرال که کانادا در شخصیت او سیاستمداری آگاه و ثابت قدم میابد که حتی مقابل ریچارد نیکسن میایستد و خشم او را سبب میشود. که ژان کرتین لیبرالی دیگر میراث دار او میشود و به جورج بوش و جنگ عراق نه میگوید. من در سیمای سیاسی و بویژه ماشین دیپلماسی دولت محافظه کار استیفن هارپر نوعی وابستگی دیدم که بواسطه آن و بطور Impulsive و ناگهانی تحت تاثیر روابط با نتانیا هو و تبلیغات جنگی و تهاجم علیه جمهوری اسلامی (اما که بی پایه و غیر عملی) سفارت کانادا را در تهران تعطیل نمود. حال دولت لیبرال تروود و از آن سوی بام می افتد و خواهان عادی سازی روابط با تهران است! و هیچکدام به نتایج اقدام و تاثیرات آن روی امنیت و منافع کشور فکر نکرده اند.

آیا استیفن دیون وزیر امور خارجه دولت فدرال کانادا میداننده که شهروندان ایرانی بواسطه داشتن دیانت بهایی نمیتوانند به تحصیلات عالی بپردازند. استخدام دولتی نمیشوند و خانه ها و مغازه های آنها طعمه آتش میشود که دهها تن از آنان ربوده و به قتل رسیده اند. که جمعیت ایران خارج از مذهب دوازده امامی اساسا آدم محسوب نمیشوند حتی اگر مسلمان باشند! که کانادا مسکن صدها قربانی ماشین شکنجه و هتک حرمت انسانی جمهوری اسلامی است و حضور مامورین سفارت خانه اسلامی تهدیدی بر امنیت و آسایش آنها. که حق باز دید از ایران حق طبیعی هر فردی است ولی لابی رژیم در صدد اخذ امتیازات برتر و بیشتر از داشتن روابط کنسولی است. که هزاران شهروند ایرانی تبار کانادا با بذل زندگی و مال و هستی خود و برخی از دست دادن عزیزان خود در این مملکت از حضور نهادهای به ظاهر فرهنگی ، اقتصادی و ... رژیم اسلامی در کانادا مورد تهدید قرار میگیرند. ولی گویی دولت فدرال را با این حرف ها کاری نیست و مسئله اقتصادی و منافع شرکتها و رسیدن میلیاردیها پول کثیف توسط ایادی رژیم به کانادا را در اولویت قرار میگیرد!

اگر در گذشته وابستگی مستعمره بودن سیاست خارجی و همبستگی مهاجر پذیری کانادا را در سلطه داشت (فقط طالب مهاجرین اروپایی بودند) ولی اکنون پول و ورود سرمایه هر چند پول میلیاردی کثیف تعیین کننده روابط است. از همین زاویه است که ناگهان دروازه های کانادا را بروی اهالی هنگ کنگ و سرمایه های چینی باز میشود هر چند آنها کمتر در کانادا زندگی میکنند! حال انتقال میلیاردی پول است از ایران بسوی کانادا پر امنیت و آرام که باید تابع مقررات شود و دست های آلوده رابط های مالی کوتاه و سفارت جمهوری اسلامی از نگاه دولت فدرال باید گشوده شود تا حجم بی نظیر سرمایه و پول که از مردم ایران ربوده شده میشود تابع مقررات و پوشش قضایی و امنیتی قرار گیرد! و گرنه کیست که باور کند نماینده ای بنام مجید جوهری بتواند سر خود میزبان چهار نماینده مجلس اسلامی شود. کسانیکه جز این باور دارند از کارکرد احزاب سیاسی خبری ندارند. عادی سازی روابط در جهت جذب میلیاردی پول های غارتی است که رسیدن آنها به کانادا تسریع شده است. در این میان مسئله نقض حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی

سیاست خارجی کانادا میراث یک وابستگی

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

کشور جوان کانادا و بنام دومینیون کانادا در سال ۱۸۶۷ میلادی بنیان گذاری شد ولی این سرزمین پهناور و حوزه سیاسی آن تا سال ۱۹۸۲ میلادی قانونا در کنترل وزیر مجموعه انگلیس باقی ماند. بنیان گذاری کشوری با ساختار وابستگی از جنس مستعمره ، کانادا را نه تنها آسیب پذیر که از جهتی میراث دار حوادث و سیاست های بریتانیا کرده است. عدم استقلال در حوزه امور خارجه و روابط بین المللی از همان تاسیس دومینیون کانادا از ویژه گی مستعمراتی آن بود. این وابستگی اما که حتی در پایان کنترل انگلیس بر حیات قانونی و ساختاری کانادا خود را همچنان ولی در جهات متفاوت حفظ کرد. این مطلب نظری دارد بر سراسیمگی دولت لیبرال کانادا و هم اکنون برای رسیدگی به عادت سازی روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی که بیشتر جنبه اقتصادی دارد تاسیسی و کسی را خوش نمیآید جز دوره دیده های نعل وارونه زن که برای این امر لابی میکنند.

کانادا به مثابه کشوری جوان ولی در کنترل بریتانیا اکیدا و از ابتدای شکل گیری ، وزارت خانه ای بنام امور خارجه نداشت و فقط در سال ۱۹۰۹ بود که نخست وزیر Wilfrid Laurier دست به تشکیل دایره یا دپارتمان امور خارجه دولت زد که فقط اطاقی بود بالای یک سلمانی مردانه (آرایشگاه) در اتاوا بدون کارمند و اساسنامه و تجهیزات یک دپارتمان حرفه ای که مسئله و وابستگی و اسارت خارجی کانادا در سال ۱۹۱۹ این کشور ۷/۲ میلیونی و پراکنده و فقیر را وارد جنگ جهانی اول نمود. Robert Borden نخست وزیر محافظه کار بابی میلی کار را دست گرفت و گسیل جوانان روستایی و غیر نظامی (کانادا فاقد ارتش بود) سبب شد که در نخستین عملیات ۶ هزار سرباز کانادایی در غرب فرانسه و بدون ماسک ضد گاز طعمه حمله شیمیایی آلمانیها شوند. در حالیکه نخست وزیر بوردن معدود صنایع کانادا را به خط تولید سلاح (Ross) و البسه جنگی کشاند ولی تفنگ های راس در میدان جنگ کار نکرد و پونین سربازان کانادایی در گل ولای غرب فرانسه از پای سربازان درآمد و سبب اسارت هزاران جوان روستایی و سرباز کانادا بدست آلمانیها شد! که کشوری بدون ارتش و بدون وزارت خارجه فقط بدون آمادگی وارد جنگ میشود و تنها بدلیل وابستگی انگلیسی زبانان به سرزمین مادری.

همین داستان غم انگیز هم در پایان جنگ جهانی اول تکرار میشود و کانادا نمیتواند نماینده ای مستقل در هیئت صلح و کنفرانس اوزان داشته باشد. که پس از آن و در جنگ جهانی دوم هم همبستگی Mackenzie King نخست وزیر توانا و لیبرال این بار تجربه بوردن محافظه کار را دارد و میخواهد شرکت در جنگ جهانی دوم را ابزاری برای استقلال کشور کند. هزاران سرباز کانادایی در سال ۱۹۴۱ و نرسیده به خاک اروپا سوار بر کشتی های زهوار دررفته طعمه آذره های

خریداری ندارد و امنیت پناهندگان و هزاران گریخته از شکنجه و اعدام و قساوت جمهوری اسلامی در کانادا به خطر می افتد را چه باک! تجدید روابط نابخردانه با رژیمی که برنده مدال بالاترین تعداد اعدام هاست! هیچ رسانه آزاد و مستقل و اتحادیه کارگری و سازمان زنان را برنمیتابد. که چپاول اموال عمومی بسوی کانادا تسریع میشود و دولت فدرال هم در این میان سهم اقتصادی میخواهد. راستی کسی از آقای دیون پرسیده است که تکلیف به خطر انداختن امنیت کشور و شهروندانش چه میشود؟

کانادای جوان بدون آمادگی و نیروی نظامی تعلیم دیده برای مقابله علیه توسعه طلبی (جنگهای جهانی) و سپس علیه نازیسم و فاشیسم وارد جنگ شد. آن اقدام متهورانه و صلح جویانه ولی در قرن بیستم تبدیل به روندی دنباله روانه شد که دیدیم. اگر انحصارات نفتی - تسلیحاتی طالبان درست کردند و القاعده راه انداختند و چون تاریخ مصرف آنها به پایان رسید ، سر باز کانادایی راهم همراه سایرین به جنگ افغانستان کشاند! آنجا بردند تا زیر پرچم رسوای مبارزه علیه تروریسم و اسلام سیاسی محصول تریاک افغانستان دوبرابر شود و فضای جنگی ادامه یابد! حاصل قربانیان کانادایی و مجروحین و میلیاردها دلار خسارت این ندانم کاری و از روی وابستگی بود. اگر روزی پای سر باز کانادایی در گل ولای باتلاق غرب فرانسه فرو رفت و قربانی شد امروز با کوچه باز کردن برای تروریستها امنیت کانادا است که در گل گیر میکنند. امروز هزاران شهروند ایرانی تبار کشور است که قربانی سیاست از سرگیری روابط با عجله و بدون شرط با جمهوری اسلامی میشود. بهره وری از خدمات کنسولی یک امر بدیهی است ولی بدین بهانه آوردن مجدد بازوهای امنیتی - اطلاعاتی رژیم اسلامی بالای سر مردم بی دفاع کانادا یک نابخردی دیگر است. که درس دیپلماسی ۱۰۱ میگوید که ایجاد روابط با هیچ کشوری نباید امنیت کشور و شهروندانش را به خطر اندازد. وقتی کانادا در سال ۱۹۰۹ یک اطاق بالای یک سلمانی را به عنوان وزارت خارجه نامید ایران در کلیه دول اروپایی سفر داشت! اکنون هم امور خارجه جمهوری اسلامی در اندازه های نجومی و به لحاظ ظرفیت (با حمایت روسیه) از کانادا و امثال دیون ها کارگشته تر است و در این معامله بازنده مردم کانادا خواهند بود. دولت ترودو با عقب نشینی از مواضع اعلام شده انتخاباتی در این امر هم دچار اشتباه محاسباتی است که بهتر است تجدید نظر کنند. راستی کدام کشور کشتار ۶۷ را جنایت علیه بشریت اعلام کرد و آنرا در تقویم سیاسی درج نمود؟

